

آسیب‌شناسی نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی

زینب محمدزاده^۱، کیوان صالحی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۰

چکیده

شادی و نشاط، بنیادی‌ترین مفهوم در روانشناسی مثبت‌گرا و از مهمترین عوامل بالندگی و تعالی در مراکز علمی است. اساتید و دانشجویان به عنوان سرمایه‌های انسانی و پیشگام در تحول جوامع، برای انجام رسالت‌های خود، به محیط و روحیه‌ای شاد نیازمندند. فقدان اجماع در تعریف و تعیین مصادیق واقعی نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی و حساسیت این پدیده، موجب شد تا در پژوهش حاضر، آسیب‌های موجود و محتمل در پدیده نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی مورد واکاوی قرار گیرد. داده‌ها با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۲ مشارکت‌کننده گردآوری شد و به روش گلایزی تحلیل گردید؛ در چهاردهمین مصاحبه، اشباع نظری داده‌ها حاصل شد اما به منظور اعتباربخشی یافته‌ها، مصاحبه‌ها تا بیست و دومین نفر ادامه یافت. نتایج حاصل از این مطالعه به اساتید شرکت‌کننده در این پژوهش ارائه و نتایج مطالعه، تأیید شد. یافته‌ها به شناسایی و طبقه‌بندی شاخص‌های نشاط و پویایی علمی و ارائه تعریفی مرجع از "نشاط و پویایی علمی" منتج گردید. همچنین مقایسه وضعیت موجود نشاط و پویایی علمی با وضعیت مطلوب ترسیم شده، موجب بازنمایی فاصله قابل توجه نشاط و پویایی حاکم بر مراکز علمی و دانشگاهی فعلی کشور با نشاط و پویایی علمی ممکن و مطلوب گشت. در نهایت ضمن شناسایی علل احتمالی بروز افت نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی، راهکارهایی عملیاتی برای برون‌رفت از این وضعیت و زمینه‌سازی حرکت در مسیر «مرجعیت علمی» ارائه شد.

واژگان کلیدی: پویایی، شادی، دانشگاه‌ها، تولید علم، پدیدارشناسی.

۱. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه تهران **Email:** z_mohamadzadeh@ut.ac.ir

۲. هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران **Email:** keyvansalehi@ut.ac.ir

* (پیوست‌های مقاله حاضر را می‌توانید از روی وب سایت فصلنامه مطالعه و دریافت فرمایید)

مقدمه

امروزه «تولید فکر و اندیشه برای رو به رو شدن با مسائل داخلی و جهانی، اهمیت منابع انسانی جوامع را به عنوان یک سرمایه بالقوه، بیش از پیش، آشکار می‌نماید» (شریف و شبگو منصف، ۱۳۹۰:۱) به نحوی که توجه به سرمایه‌های فکری هر کشور جزء اولویت‌های غیرقابل انکار آن کشور به ویژه در حوزه‌های دانش‌بنیان است. «یکی از مهم‌ترین سازمان‌های دانش‌محور امروزی دانشگاه‌ها هستند که مهم‌ترین محصول آنها دانش، اختراعات ثبت شده و دانش‌آموختگان متخصص است. اساتید، دانشجویان، کارکنان، فرآیندهای سازمانی و شبکه‌های ارتباطی از جمله دارایی‌های با ارزش دانشگاه‌ها محسوب شده که همگی جزو سرمایه‌های فکری هستند» (قزل و همکارانش، ۱۳۹۲:۵۴). «سرمایه فکری به صورت گروهی از دارایی‌های دانشی تعریف می‌شود که به یک سازمان اختصاص دارند و جزء ویژگی‌های یک سازمان محسوب می‌شوند و به طور قابل ملاحظه‌ای از طریق افزودن ارزش به ذی‌نفعان کلیدی سازمان به بهبود وضعیت رقابتی سازمان منجر می‌شود» (مارا، ۲۰۰۴؛ به نقل از قزل و همکاران، ۱۳۹۲:۵۴). «سرمایه فکری دیدگاه و مفهوم جدیدی است که می‌تواند به مقابله با موانع و مشکلات نظام موجود آموزش عالی کشور بپردازد. سرمایه فکری، کلید موفقیت سازمان‌های دانایی محور - از جمله دانشگاه‌ها - محسوب می‌شود. روسا و مدیران دانشگاه‌ها برای تزریق روحیه نشاط و پویایی و ایجاد ارزش‌های علمی و اجتماعی در محیط‌های دانشگاهی باید بتوانند سرمایه‌های فکری زیر مجموعه خود را به درستی شناسایی و ارزش‌گذاری کرده و آنها را در همه ابعاد اداره نمایند» (قزل و همکارانش، ۱۳۹۲:۵۳). دانشگاه‌های کشور ما به دلیل ویژگی‌های بالقوه‌ای که دارند، با وجود سرمایه‌های عظیم فکری و «با دارا بودن توانایی‌های فراوان، جوانان با استعداد و ایمان راسخ، می‌توانند "مادر علم" در میان کشورهای اسلامی شوند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵) و به رسالت خود در جهان اسلام که همانا رساندن پیام اسلام به گوش جهانیان است جامه عمل ببوشانند. این مهم زمانی تحقق خواهد یافت و «امت اسلامی در صورتی می‌تواند حرف حق خود را با قدرت در دنیا مطرح کنند که از نظر علمی در سطح بالایی باشند» (همان منبع).

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام، ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی به عنوان قدرتی پیشرو در علم و فناوری در منطقه و جهان اسلام دیده شده است (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۲) و «دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز هم مستلزم جنبش نرم افزاری و تولید علم انبوه خواهد بود (ابوالحسنی و نجاتی منفرد، ۱۳۹۰) اما زمانی قدرت علمی در عمل نیز محقق می‌شود که دانشگاهیان به‌ویژه اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی به نوبه خود در تولید دانش علمی سهمی داشته‌باشند (بهراری‌فر و دانایی‌فرد، ۱۳۸۵:۸۴). در حال حاضر حدود ده سال از زمانی که مقام معظم رهبری جنبش نرم‌افزاری و نهضت آزاداندیشی را به فهرست واژگان گفتمان مجامع علمی کشور افزودند، می‌گذرد. همانطور که می‌دانیم «جنبش نرم افزاری، یعنی در زمینه علم، تولید علم و شکستن مرزهای علم، یک جنبش و یک حرکت عظیم به وجود بیاید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳) و تاکنون «حرکت‌های اولیه برای نهضت آزاداندیشی و

جنبش نرم‌افزاری، جهت تشویق نوآوری، صورت پذیرفته است اما استمرار آن برای بقاء حرکت‌های توسعه‌ای، ضروری است. لذا توجه جدی در این زمینه، ساز و کارهای سیاست آموزشی جدیدی را می‌طلبد. متأسفانه وضعیت فعلی اقتصادی کشور، رویداد آفت تحصیلی دانشجویان در دانشگاه‌ها و موضوع فرار مغزها، شاخص‌های مثبتی در بخش ارزش‌گذاری اهمیت و منزلت علم، به شمار نمی‌آیند. الگوهای علمی و دانشگاهی در جامعه، آسیب پذیر گردیده‌اند و دانشگاه‌ها بیشتر به منزله ی مراکزی برای صدور مدرک دانشگاهی، مورد توجه قرار گرفته‌اند. ورودی‌های سیستم نظام آموزش عالی کشور با توجه به آسیب‌هایی که به ارزش و جایگاه علمی در جامعه وارد آمده است، آسیب دیده‌اند و بدون انگیزه‌ی کافی برای یادگیری نیز نمی‌توانند به خروجی‌های مطلوب و مورد نیاز توسعه در کشور تبدیل گردند در نتیجه آموزش عالی در بحران است» (شریف و شبگو منصف، ۱۳۹۰: ۱). رهبر انقلاب اسلامی (۱۳۹۳) نیز به تازگی به این نکته اشاره کردند که مهمترین نگرانی امروز کشور ما «این است که نهضت علمی کشور که پس از سال‌ها زحمت و مجاهدت و حرکت در مسیری سخت، به نیمه راه رسیده است، دچار وقفه یا توقف شود». در نگاه مدیرانه ایشان «هرگونه توقف در این مسیر و یا گُند شدن شتاب موتور علمی کشور، با عقب‌گرد همراه خواهد بود» لذا تأکید کردند: «اگر این نهضت و حرکت علمی متوقف شود، بازگرداندن آن، بسیار مشکل خواهد بود بنابراین همه باید با تمام توان، به پیشرفت علمی کشور کمک کنند» (همان منبع). اما آیا ضرورت و اهمیت برای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، انجمن‌های علمی، فرهنگستان‌های علوم و نهادهای برنامه‌ریزی و تدوین و اجرای راهبردهای کلان علم و پژوهش و فناوری کشور در زمینه عملیاتی کردن نهضت نرم‌افزاری و تولید علم در عرصه علوم و فناوری‌های نوین درک شده است تا بتوانند به کارهایی زیربنایی محرک و نوآور، روی آورده و توجه نشان دهند؟ (زلفی گل، ۱۳۸۴؛ به نقل از ابونوری و نیازی، ۱۳۹۱: ۱۲).

«اگر امروز این مسئله را نیازمند شناسایی بدانیم، فقط اذهان شکل‌یافته و مجهز به بایدها و شایسته‌ها می‌توانند به شناسایی و حل آن نایل شوند. لذا در تمامی جوانب، این رویکرد نیاز به برخورداری از ذهن مسئله محور دارد و در عین حال، در حوزه تحقیقات علمی در کشور، به علت عدم مسئله محوری ذهن‌ها که از نیاموختن روش‌های شناسایی و حل مسئله ناشی می‌شود، عموماً فعالیت‌های انجمنی، ناموفق و موجب ظهور و بروز کارهای تکراری و نتایج تکراری در غرب و عدم انطباق آن با نیازهای اساسی کشور شده است. ادامه این روند گاه در زمینه‌هایی باعث می‌شود تا دانشجویان مواردی را به عنوان موضوع پژوهش دنبال کنند و به آن علاقه نشان دهند که چند دهه پیش حل‌شده و بیش از چند دهه غرب را به پیش برده و ما را مصرف‌کننده خود قرار داده‌است» (فیروزآبادی، ۱۳۸۶؛ به نقل از ابونوری و نیازی، ۱۳۹۱: ۱۲). شناسایی علل تاثیرگذار بر گُند شدن سرعت جنبش نرم‌افزاری در کشور به این سئوالات ختم نمی‌شود و قطعاً بجز درک ناقص یا ناصحیح از مفهوم عمیق و عملیاتی جنبش نرم‌افزاری و فقدان بهره‌مندی از ذهنی مسئله محور، عوامل دیگری نیز وجود دارند که همه و همه مانند حلقه‌های یک زنجیر به "افت نشاط و بالندگی علمی در مراکز علمی کشور" انجامیده است و تاکنون بدان پرداخته نشده است.

در تبیین ضرورت کشف و رفع علل کندی سرعت این حرکت و استمرار این جنبش همین بس که رهبر انقلاب (۱۳۹۳) از زاویه کوتاه‌مدت و میان‌مدت، پیشرفت علمی کشور را دارای فواید گرانقدری از جمله بی‌اثر کردن تحریم‌ها خواندند و خاطرنشان کردند: دشمن می‌خواهد با ابزار تحریم بر روی آبروی ملی ایرانیان فشار بیاورد و ملت را تحقیر کند که استمرار «نهضت و پیشرفت علمی»، این ابزار را هم بی‌اثر خواهد کرد. در حال حاضر مسئله اصلی در این حوزه فقدان آگاهی کافی درباره آسیب‌های موجود در مسیر ایجاد رشد و بالندگی در مراکز علمی و دانشگاهی است از این رو پژوهش حاضر می‌کوشد تا با مطالعه موردی دانشگاه تهران به عنوان «دانشگاه مادر» و مرکز علمی برتر کشور که به گفته معاونت بین‌المللی این دانشگاه در آخرین اعلام رتبه بندی دانشگاهی بر اساس عملکرد آکادمیک^۱، رتبه اول در ایران را دارد؛ «آسیب‌های پدیده نشاط و بالندگی علمی در مراکز علمی به ویژه در دانشگاه تهران» را شناسایی و راهکارهایی عملیاتی برای مقابله با این آسیب‌ها به‌ویژه «افت نشاط و پویایی علمی» و زمینه‌سازی برای ارتقای بالندگی و حرکت در راستای «مرجعیت علمی» (عربی، ۱۳۹۴: ۱۳؛ بند اول سیاست‌های کلی نظام در بخش علم و فناوری)، پیشنهاد نماید.

۱. مروری بر مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

فرهنگ لغت دهخدا «نشاط» را اینگونه معنا می‌کند: «خوشی، شادمانی، خرمی، سرور، شادی، طرب، خرسندی» و فرهنگ معین آن را «شادمانی، خوشی و سبکی» می‌داند. در انگلیسی معادل آن کلمه «ویتالیتی»^۲ است اما در متون تخصصی و پژوهشی بیشتر معادل کلمه «هپینس»^۳ است. در این دو فرهنگ معتبر لغت فارسی تعریفی از کلمه «پویایی» به چشم نخورد اما فرهنگ لغت عمید آن را «حالت و چگونگی پویا؛ پویا بودن و پویندگی» تعریف می‌کند که اگر دقت کنیم به نوعی آن را پیامد شادی و نشاط و نمود عملی آن تعریف کرده است و خود می‌تواند موجب شادی و نشاط مضاعف شود و بالعکس نشاط و شادی، موجب پویایی و بالندگی شود. شادی و نشاط از منظر افراد مختلف معانی متفاوتی دارد و هر فردی آن را براساس دیدگاه خود تعریف می‌کند «گاهی اوقات مفهوم شادی مبهم و مرموز است اما برای اغلب افراد خیلی واضح و آشکار است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مردم حالتی از لذت یا هیجان مثبت یا رضایت شان از زندگی را شادی تعریف می‌کنند» (آرگل^۴، ۲۰۱۳: ۵). استرن^۵ (۲۰۱۰) در کتاب «اشکال نشاط» خود، به تفصیل به بیان اشکال پویا و متعدد نشاط جاری در زندگی روزمره از روانشناسی گرفته تا روان درمانی و هنر می‌پردازد و آن را «جزء لاینفک زندگی بشر از ابتدا تا کنون و حاصل آفرینش ذهنی، ادغام وقایع متعدد داخلی و خارجی ذهن، یک تجربه ذهنی و یک واقعیت فوق‌العاده»

1. URAP
2. Vitality
3. Happiness
4. Argyle
5. Stern

(ص ۴) می‌داند. وی برخلاف نظر پیروان مکتب اصالت حیات (ویتالیسم)^۱ معتقد است که نشاط ریشه در کنش فیزیکی و اعمال روحی دارد. برخی نشاط را گفتمانی نوظهور برای بیان انرژی بدنی، تمایلات و صفات شخصی و برخی آن را کمک آموزشی و عمومی می‌دانند (آبلمان، کیم و پارک^۲، ۲۰۰۵).

تاریخچه پژوهش درباره شادی کوتاه است و در سال‌های اخیر موضوعیت پیدا کرده است. در سال ۱۹۶۰ برای اولین بار سازمان‌های مطالعاتی آمریکا شادی و رضایت را مورد سؤال قرار دادند و هرچند تاکنون کتاب‌ها و مقالات زیادی در این باره نوشته شده است اما در بستر اصلی روانشناسی اثرگذار نبوده است. به طور مثال هنوز فصلی از متون روانشناسی بدان اختصاص نیافته است (آرگل، ۲۰۱۳: ۷). نتایج بسیاری از پژوهش‌ها حاکی از اثر مثبت شادی و پویایی بر زندگی فردی و اجتماعی است و تسهیل نظم اجتماعی یا کاهش آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد (نیلی، موسوی و رضازاده^۳، ۲۰۱۳)، بهینه سازی کیفیت زندگی، افزایش سلامت روانی و اثر غیر مستقیم بر میزان رضایت از زندگی (پورسردار و همکاران، ۱۳۹۰)، حل بسیاری از مشکلات روحی - روانی، افزایش انگیزه در کار و تحصیل (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۰) و بالاخره تأثیرات مثبت شادی و شادکامی بر افزایش پیشرفت تحصیلی دانشجویان (رئیزی و همکاران، ۱۳۹۲) را به عنوان نمونه‌هایی از پیامدهای مثبت آن برمی‌شمرند.

روانشناسان حالت شادی را نتیجه عمل هماهنگ، منسجم و سامان یافته همه عواطف یک فرد می‌دانند و معتقد هستند که نشاط و آرامش روحی زمینه‌های باروری خرد و اندیشه را به وجود می‌آورد (اسکندری، ۱۳۸۶؛ به نقل از نیازآذری، ۱۳۹۳: ۳۸). شادی بنیادی‌ترین مفهوم در روانشناسی مثبت گراست (سموعی و همکاران، ۱۳۸۸). «مارشال ریو» نویسنده کتاب «انگیزش و هیجان» در تعریف شادی می‌نویسد: «شادی احساس مثبتی است که از حس رضایت‌مندی و پیروزی به دست می‌آید» شادی یکی از نیازهای اساسی زندگی و عاملی برای رشد و موفقیت است. نظام هستی به گونه‌ای است که اسباب شادی را برای انسان فراهم می‌کند؛ بهار طرب‌انگیز، آبشارهای زیبا، گل‌های رنگارنگ، صحنه طلوع خورشید، باران لطیف، پرندگان زیبا و نغمه سرایی آنها و بسیاری دیگر از پدیده‌های شگفت‌انگیز جهان، شادی را برای ما به ارمغان می‌آورند. البته دین ما یعنی دین فطرت و طبیعت، پیروان خود را به شادی‌های مثبت و سازنده دعوت می‌کند. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «این دل‌ها همانند بدن‌ها خسته و افسرده می‌شوند و نیاز به استراحت دارند، در این حال، نکته‌های زیبا و نشاط‌انگیز برای آنها انتخاب کنید» (استیل و کونینگ، ۲۰۰۷؛ به نقل از نیازآذری، ۱۳۹۳: ۳۹). نیاز آذری در مقاله خود با

۱. در پیدایش حیات و سیر تحول یا تکامل آن، سه دیدگاه اساسی میان دانشمندان مطرح است که عبارتند از: ویتالیسم (Vitalism)، مکانیسم (Mechanism) اعم از مکانیست‌های کلاسیک یا نئومکانیست‌ها - و ارگانیسم (Organicism). مکتب ویتالیسم بر این باور است که یک نیروی حیاتی در درون همه موجودات زنده وجود دارد و به‌صورت یک عامل درونی، اشکال حیاتی و توسعه آنها و همچنین هدایت تمامی فعالیت‌های موجود زنده را مهار می‌کند.

2. Abelman, Kim & Park

3. Nili, Mousavi & Rezazade

عنوان «بررسی تأثیر شادابی و نشاط در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان ساری» اصول چهارده گانه «فوردایس» برای افزایش شادمانی را در قالب نگاره شماره (۱) بیان می‌کند:

نگاره ۱: اصول چهارده گانه «فوردایس» جهت افزایش شادمانی (نیاز آذری، ۱۳۹۳: ۴۰)



فوردایس نیز دو جنبه ذهنی و عملی را در ایجاد شادی موثر می‌داند. وی هفت اصل را به حیطة ذهن و نوع تفکر و نگاه افراد به جهان پیرامون خود اختصاص داده و ۷ اصل دیگر که یک به یک متناظر با اصلی ذهنی ماقبل خود هستند، در حقیقت جنبه رفتاری و عملی همان اصل هستند. با این توضیحات به روشنی در می‌یابیم که نظر استرن (۲۰۱۰) به طور بارزی از نظرات فوردایس (صاحب‌نظر در حوزه روانشناسی شادی در سال ۱۹۹۷) تأثیر پذیرفته است.

فری و استاتزر^۱ (۲۰۱۰) شادی را هدف غایی زندگی می‌دانند و معتقدند که بر زندگی دنیا و حتی آخرت اثر می‌گذارد. برخی هم مثل اسمیت^۲ (۲۰۱۳) برای شادی و مکان‌های شاد نقش تعیین کننده‌ای قائل هستند. آنها حیطة اثر شادی را چنان قوی و موثر می‌دانند که از آن به عنوان محور آموزش و کمک رسانی یاد می‌کنند و "آموزش برای شادی" و "شادی در آموزش" را دو مبحث قابل طرح و در نهایت یکی از اهداف آموزش می‌دانند. فرد دغدغه‌مند و کلان نگری مثل لی^۳ هم چشم‌انداز را حتی فراتر از سطح سیستم آموزشی بلکه به سمت و سوی سیاست‌های کلان کشورها و در نهایت سیاست‌های جهانی

1. Frey & Stutzer
2. Smith
3. Lee

سوق می‌دهد. لی (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای، رابطه بین آموزش و پرورش و شادی را از دیدگاه شرق و غرب بررسی و در نهایت بر لزوم ارائه پارادایم‌های جدید شادی و نیاز به انجام مطالعات در این حوزه تأکید می‌کند. لی (۲۰۱۱) چند سال بعد در مقاله‌ای دیگر با نام "آموزش عالی و شادی در عصر اطلاعات"^۱، شادی را به عنوان یکی از اهداف مورد نیاز دانشگاه معرفی می‌کند که بایستی به طور جدی برای رسیدن به آن تلاش کرد. وی پس از طرح چرایی مسئله و پرداختن به اشکال و ویژگی‌های آموزش عالی در عصر اطلاعات، به تبیین رابطه بین آموزش عالی و شادی می‌پردازد و کمال مطلوبی را پیشنهاد می‌کند. که مراکز آموزش عالی آینده، نه تنها فرصت‌های تحقق یافتن شادی و خوشبختی برای یک فرد را ایجاد می‌کنند بلکه فرصتی برای ترویج رفاه اجتماعی، ملی و بین‌المللی برای یک ملت و جهان هستند.

بنابر آنچه گفته شد، شادی و نشاط بنیادی‌ترین مفهوم در روانشناسی مثبت‌گرا است و دانشجویان به‌عنوان نیروهای تأثیرگذار و مولد و سرمایه‌های انسانی و اجتماعی کشور به محیط و روحیه شاد نیازمندند (سموعی و همکاران، ۱۳۸۸) تا با بهره‌مندی از این نشاط و سرزندگی، پویایی علمی مضاعفی را در مراکز علمی و دانشگاهی کشور رقم زنند و در بستری مناسب به جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم مدنظر چشم انداز ۲۰ ساله نظام، جامه عمل بپوشانند. آنچه در این مسیر تاکنون بدان پرداخته نشده است، تعریف و کیفیت نشاط و پویایی علمی مطلوب در مراکز علمی، ترسیم وضعیت‌های موجود، ممکن و مطلوب تحقق آن در مراکز علمی کشور و در نهایت آسیب‌های پیش‌رو و راهبردهای مقابله با این آسیب‌هاست که پژوهش حاضر به عنوان اولین قدم و تلاشی برای شناسایی و تبیین برخی از این گام‌هاست. بدین‌منظور سؤال‌های زیر صورت‌بندی شده و مورد بررسی قرار گرفت:

۱. تعریف نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی چیست؟
۲. مصادیق عینی رفتارهای نشانگر نشاط و پویایی یا فقدان آن در مراکز علمی و دانشگاهی چیستند؟
۳. راهکارهای افزایش نشاط و پویایی مراکز علمی و دانشگاهی کشور کدامند؟
۴. برای اصلاح و بهبود پدیده نشاط و پویایی علمی موجود در مراکز علمی و دانشگاهی، چه مورد یا مواردی و با استفاده از چه رویکرد (هایی) می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؟

۲. روش پژوهش

برای درک پدیده‌های اجتماعی از روش تحقیق کیفی استفاده می‌شود (دلور، ۱۳۹۲) و چنانچه پژوهشگر بخواهد ساختار و معنای ضمنی یک پدیده را با توجه به معنایی که افراد از آن در زندگی خود تجربه کرده‌اند آشکار نماید، از روش تحقیق پدیدارشناسی استفاده می‌کند (بازرگان، ۱۳۹۱). پدیدارشناسی مطالعه ماهیت‌هاست و با این روش به دنبال یافتن تعاریفی از ماهیت‌ها مانند ماهیت ادراک یا ماهیت هوشیاری هستیم (مرلو پنتی^۲، ۱۹۹۶).

1. Higher Education and Happiness in the Age of Information
2. Merleau-Ponty

در پژوهش حاضر پدیده نشاط و پویایی در مراکز آموزشی و آسیب‌شناسی آن، از منظر دانشجویان و اساتید دانشگاه تهران به عنوان جامعه هدف مدنظر قرار گرفت. در این پژوهش نیز مانند همه پژوهش‌های کیفی، نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن دو ملاک: الف) دانشجو یا استاد دانشگاه تهران بودن و ب) تمایل به مشارکت در پژوهش، انجام شد. بنا بر روش انتخاب‌شده، برای گردآوری داده‌ها از فن مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته با تأکید بر رویکرد اکتشافی (ابوالمعالی، ۱۳۹۱) استفاده گردیده است. مصاحبه نیمه ساختار یافته از روش‌های اصلی جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش‌های کیفی بوده و در برخی از تحقیقات به عنوان تنها روش جمع‌آوری داده‌ها محسوب می‌شود. به‌طور مثال هنگامی که تجارب قبلی شرکت‌کنندگان مورد تحقیق قرار می‌گیرند، مصاحبه ممکن است تنها روش قابل استفاده باشد (ادیب حاج باقری، ۱۳۸۵؛ به نقل از صفایی موحد، ۱۳۸۹:۱۰۵).

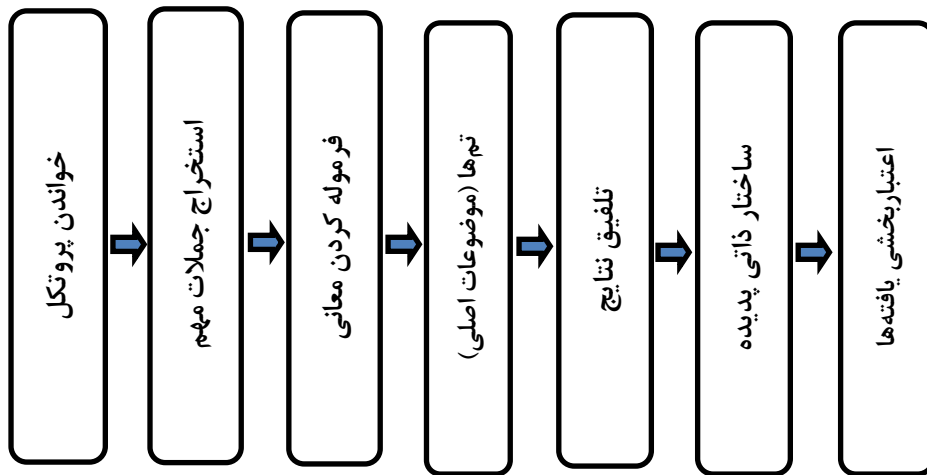
نمونه‌گیری با روش در دسترس^۱، آغاز شد و پس از آن به روش گلوله برفی^۲ ادامه یافت تا در چهاردهمین مصاحبه اشباع داده‌ها حاصل گردید. با هدف اعتباربخشی یافته‌ها، مصاحبه‌ها تا بیست و دومین نفر ادامه یافت و در مجموع ۱۲ دانشجوی تحصیلات تکمیلی و تعداد ۱۰ نفر عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در این مطالعه مشارکت کردند.

مصاحبه‌ها در سه قالب "حضور، تلفنی و مکتوب" انجام و ثبت و ضبط گردید. به دلیل رعایت اخلاق پژوهشی و عمل به تعهد اولیه مبنی بر عدم افشای نام مشارکت‌کنندگان، یافته‌های به‌دست آمده از هر مصاحبه بدون نام مشارکت‌کننده و براساس جنسیت و دانشجو یا استاد بودن مشارکت‌کنندگان، طبقه‌بندی و با تخصیص کد، نشان‌دار گردید. در تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای گلایزی (۱۹۹۷؛ به نقل از عابدی، ۱۳۸۸) استفاده شده است. روش گلایزی، روشی توصیفی در تحلیل محتوا به شرح ذیل است:

- ۱- تمام توصیف‌های ارائه شده توسط شرکت‌کننده در مطالعه که به طور مرسوم پروتکل نام دارد، خوانده می‌شود تا پژوهشگر با آنها مأنوس گردد؛
- ۲- به هر پروتکل مراجعه، و جملات و عباراتی که مستقیماً به پدیده مورد مطالعه مرتبط است استخراج می‌شود. این مرحله تحت عنوان «استخراج جملات مهم» شناخته شده است؛
- ۳- تلاش می‌شود تا به معنای هر یک از جملات مهم پی برده شود. این مرحله تحت عنوان «فرموله کردن معانی» شناخته شده است؛
- ۴- مراحل فوق برای هر پروتکل تکرار می‌شود و معانی فرموله شده و مرتبط به هم در خوشه‌هایی از تم‌ها (موضوعات اصلی) قرار می‌گیرد؛
- ۵- نتایج در قالب یک توصیف جامع از موضوع مورد پژوهش تلفیق می‌شود؛
- ۶- توصیف جامع پدیده تحت مطالعه به صورت یک بیانیه صریح و روشن از ساختار اساسی پدیده مورد مطالعه فرموله می‌شود که اغلب تحت عنوان «ساختار ذاتی پدیده» نام گذاری می‌گردد.

۷- اعتباربخشی نهایی یافته‌ها با ارجاع مجدد به شرکت کنندگان انجام می‌شود (۱۹۹۷؛ به نقل از عابدی، ۱۳۸۸).
 عابدی (۱۳۸۸) به نقل از گلابی رعایت همه این مراحل را الزامی نمی‌داند. نگاره (۲) مراحل تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر را به تصویر می‌کشد:

نگاره ۲: مراحل تحلیل داده‌ها



۳. یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر به عنوان اولین گام در این حوزه و با تکیه بر نکات مشترک برآمده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، تعریف زیر را به عنوان تعریفی که مولفه‌های آن دارای بیشترین تکرار و اشتراک در بیانات و تجربیات اکثریت مشارکت‌کنندگان است، به عنوان تعریف مرجع از "مفهوم نشاط و پویایی علمی" به قرار ذیل پیشنهاد می‌نماید: "حالتی از رضایت و سرخوشی که به فعالیت مضاعف علمی در فرد، تیم، سازمان و اجتماع بینجامد". از آنجا که پویایی نمود بیرونی نشاط است، لذا در پژوهش حاضر برای پویایی در چهار سطح فرد، تیم، سازمان و اجتماع تعریف ارائه شده است.

شکل ۱: ابعاد نشاط و پویایی علمی (برگرفته از یافته‌های پژوهش حاضر)



"پویایی علمی- فردی" را می‌توان اشتیاق و علاقه‌مندی فرد به مطالعه مستمر، پژوهش، یادگیری مادام‌العمر، حق‌خواهی، حق‌گستری، نقدپذیری، آینده‌نگری، ارزش‌آفرینی، اثرگذاری مؤلد و اثرپذیری ارزشمند در دانشگاه، جامعه، و جهان دانست؛ "پویایی علمی- تیمی" را می‌توان برخورداری از اشتیاق، پیشگامی، علاقه‌مندی و استقبال از مشارکت موثر و مؤلد در شکل‌دهی، شکل‌گیری، بهبود و همکاری در تیم‌های دانش‌بنیان، کارآفرین، ایده‌پرداز، و فعالیت‌های فرانشی برای حضوری ارزش‌آفرین، حق‌محور، و تعالی‌بخش در تیم‌های علمی خودجوش و فداکار برای تحقق هدفی معین و ارزشمند، تعریف نمود؛ "پویایی علمی- سازمانی" را حرکتی هماهنگ، پرشتاب و هم‌جهت با اهداف علمی و آموزشی تعیین‌شده از سوی اسناد بالا دستی؛ نهادینه سازی فرهنگ مدیریت دانش، یادگیری سازمانی و تلاش برای تحقق سازمان یادگیرنده؛ ایجاد ارزش‌افزوده سازمانی و مدیریت موثر و یکپارچه سازی روندهای حرکتی فردی، تیمی و سازمانی؛ و "پویایی علمی- اجتماعی" را دغدغه، اشتیاق و ارج نهادن برای مشارکت‌دهی فرهیختگان، دانشجویان، اساتید، و سایر ارکان دانشگاهی در مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی، بهره‌مندی از فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و مزیت‌های دانشگاه، مراکز علمی و فرهیختگان و رفع مشکلات اجتماعی به‌منظور زمینه‌سازی برای تحقق آرمان جامعه شایسته‌پذیر، حق‌مدار، و دانشگاه جامعه - محور از طریق ارزش‌آفرینی، تولید ثروت، اقتدارآفرینی ملی و بین‌المللی، و تعامل‌سازنده در اثرپذیری و اثرگذاری متقابل، معنا کرد.

پیرو تعاریف فوق، یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این مطلب است که "شاخصه‌های مرکز علمی و دانشگاهی دارای پویایی و نشاط مطلوب" عبارت است از:

جدول ۱: برخی از شاخصه‌های مرکز علمی و دانشگاهی دارای پویایی و نشاط مطلوب

در دانشگاه	در کلاس درس
- تعداد منطقی پذیرش دانشجو در رشته‌ها و مقاطع مختلف دانشگاه	- وجود اساتید فعال و پیگیر
- ارتباط و تعامل علمی و بین رشته‌ای دانشجویان و اساتید	- حضور دانشجویان در کلاس‌ها با اشتیاق و اعتماد به نفس
- تربیت اساتید ورزیده در دستور کار دانشگاه قرار دارد	- کاربردی بودن آموزش‌ها و عملی شدن در جامعه
- توجه به ایده‌ها و تجربه‌های جدید	- خلاق بودن دانشجویان و ابداعات و اختراعات
- کسب رتبه‌های برتر دانشجویی در جشنواره‌ها	- برگزاری کلاس با همراهی دانشجو و استاد
- ارائه مکانات رایگان استفاده از سایت‌ها و مقالات علمی	- وجود صمیمیت و همدلی در کلاس
- انتشار فصلنامه‌ها و مجلات علمی در دانشگاه	- تشویق به موقع دانشجو توسط استاد
- انجام پژوهش‌های علمی بروز و موثر در پیشرفت کشور	- فرآیند یاددهی - یادگیری جذاب و بهره مندی از روش‌های نوین و متنوع آموزشی
- تعدد آمار چاپ مقالات علمی و جایگاه مطلوب دانشگاه در رده بندی دانشگاه‌های کشور	- مشارکت فعال دانشجویان در فرایند یاددهی - یادگیری
- تعامل مطلوب و سازنده دانشجو، استاد و کارکنان دانشگاه	- ایجاد "درگیری تحصیلی" با موضوع درس و رشته تحصیلی
- توجه مسئولین و اساتید به خواسته‌های بجای دانشجویان	- تأکید بر یادگیری - یادگیری بجای یادگیری محتوا
- وجود فرهنگ قدردانی و سپاسگزاری در تمام رده‌های تعامل دانشجو با دانشجو، دانشجو با استاد و با عوامل دانشگاهی و بالعکس	- محوریت پژوهش و تکالیف عملی
- برگزاری مراسم‌ها و برنامه‌های فرهنگی	- ارائه تکالیف مستمر و پیگیری انجام آن توسط اساتید
- اجرای برنامه‌های خودجوش دانشجویی	- انجام تکالیف و پروژه‌های درسی به صورت خودجوش و با تنوع بیشتر و بدون نیاز به یادآوری استاد
- شرکت داوطلبانه در جلسات دفاعیه پایان‌نامه سایر دانشجویان	- کانال‌های ارتباطی تعریف شده، مشخص و مداوم
- حضور دانشجویان در کارگاه‌های آموزشی مرتبط با درس یا رشته تحصیلی	- ارتباط علمی استاد و دانشجو
- شرکت در همایش‌ها و کنگره‌های علمی داخلی و خارجی	- مشخص شدن رئوس درسی حین تدریس و نقش صرفا هدایتگر استاد
- ایفای نقش افراد فراتر از وظایف رسمی‌شان (شهروند سازمانی)	- وجود فرهنگ پرسشگری
- رشد هر فرد در تقابل با فرد دیگر نیست	- "ما می‌توانیم" اعتقاد راسخ استاد و دانشجو
- همه افراد احساس می‌کنند یک خانواده هستند	- علاقه دانشجو به رشته اش و تحقیق و نقد و شرکت او در جلسات خارج از کلاس
- حاکم شدن نگرش تیمی بجای گروهی (شروع خودجوش، فداکاری، برای یک هدف فعالیت کنند)	- یادگیری موضوعات به پایان ترم موقوف نمی‌شود
- نیازهای اولیه افراد تأمین می‌شود (خوابگاه، زندگی اولیه)	
- نظارت از بعد تنبیه نیست و بیشتر اصلاح و رشد مدنظر است	
- وجود نظام تشویق و تنبیه شفاف، عادلانه با ضمانت اجرایی کامل	
- قالب نبودن، سبتره نداشتن رویکردهای کمیت‌گرایی و اثبات‌گرایی	
- دانشگاه فضایی مهیج و شاداب است و روحیه نقدپذیری وجود دارد	
- برگزاری نشست‌های تخصصی و کرسی‌های نظریه‌پردازی	

نظر قریب به اتفاق مشارکت‌کنندگان که از سطح طبقاتی متنوع و قومیت‌های مختلف کشور بوده، تجربه حضور در دانشگاه‌های شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب کشور در مقاطع قبلی تحصیلی را داشتند و در زمان اجرای این پژوهش (نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۴-۹۳) در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل

هستند، حاکی از این مطلب است که نشاط و پویایی علمی مطلوب در مراکز علمی و دانشگاهی مقاطع قبلی و فعلی تحصیلی‌شان وجود ندارد. آنها موارد ذیل را به عنوان "مصادیق فقدان نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور" عنوان کردند:

جدول ۲: برخی از مصادیق فقدان نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور

در دانشگاه	در کلاس درس
<ul style="list-style-type: none"> - بی توجهی به سرمایه‌های انسانی و نگاه ابزاری عوامل انسانی نظام آموزشی به یکدیگر - پذیرش غیرمنطقی و به تعداد زیاد دانشجویان در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف دانشگاه - فراهم‌نشدن برخی زیرساخت‌های لازم با توجه به تعداد افراد پذیرفته شده - عدم دسترسی اساتید به پایان نامه‌ها - ضعف در ایجاد کتابخانه‌های دیجیتال با سطح دسترسی بالا - زنگ زدگی هیئت علمی - خدشه‌دار شدن جایگاه استاد - تغییرات مکرر در دروس ارائه شده توسط آموزش - تفاوت و تبعیض بین دانشجویان مجازی با روزانه (مثلا در خصوص پرداخت هزینه غذا) - استفاده از برخی اساتید که توان جسمی آنان اجازه حضور در کلاس را به آنها نمی‌دهد - تعامل نامطلوب کارکنان دانشگاه با دانشجویان - فقدان عدالت آموزشی زمان اعلام نمرات - تبعیض قائل شدن بین رشته‌های مختلف در سطح دانشکده‌ها و به نوعی طبقه بندی صعودی به نزولی رشته‌های تحصیلی در قالب قراردادی نانوشته اما پذیرفته‌شده نزد عوامل دانشگاهی - کاربردی نبودن پژوهش‌ها و فقدان حل مسائل جامعه - وجود برنامه درسی رسمی و برنامه درسی پنهان در دروس رشته‌های مختلف - محوریت رویکردهای سنتی در ارتقاء رتبه علمی و یا ارزشیابی عملکرد اساتید - بی توجهی به درخواست‌ها یا شکایت‌های دانشجویان - فقدان اخلاق حرفه ای، بینش و نگرش و تبدیل شدن به چرخه‌ای که مدام تکرار می‌شود - بی انگیزگی اساتاد و دانشجو به دلیل فقدان اتصال سازنده دانشگاه و بازار کار - سرفصل‌هایی که به اساتید داده می‌شود به‌روز نیستند - آموزش‌ها و ارزیابی‌ها با دید نظارت کمی و با هدف گزینش و تنبیه است - فقدان کارگاه‌های آموزش نیروی انسانی، تربیت مدرس و نظارت کیفی بر عملکرد اساتید 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم حضور برخی دانشجویان در کلاس‌های حضوری - عدم حضور اکثریت دانشجویان در کلاس در هفته‌های آغازین یا پایانی نیمسال تحصیلی - به‌کار بردن عبارت معروف «خسته نباشید» قبل از پوشش کامل مبحث جلسه درس و اتمام تدریس استاد - تأخیر در ورود به کلاس و یا ترک بی‌دلیل کلاس - فقدان صمیمیت و همدلی در کلاس کپی‌کاری در انجام تکالیف و پروژه‌های کلاسی و یا عدم انجام آنها - تمرکز محض دانشجو یا استاد بر نمره و کمیت‌گرایی صرف - فعالیت کم و غیر قابل قبول از برخی دانشجویان - فرآیند یاددهی - یادگیری جذاب نیست - فقدان اعتماد و صداقت در روابط انسانی و وجود ردایب اخلاقی نظیر حسادت، تکبر، ریا و امثال آن - فارغ التحصیلی هدف اصلی دانشجویان است - خریداری شدن پایان‌نامه‌ها، پروژه‌ها، پژوهش‌ها و تکالیف کلاسی - دانشجویان دائم به دنبال چانه‌زنی برای کم کردن از تکالیف هستند - عدم وجود کارگروهی بین دانشجویان - بی‌علاقگی به تحصیل علم در دانشجویان - از زیر کار در رفتن و انجام‌ندادن تکالیف و یا کپی‌برداری از تجارب دیگران - استفاده نادرست از فناوری آموزشی - اعمال ارزشیابی‌ها در قالب چارچوب‌های خشک و سنتی

"راهکارهای پیشنهادی" مشارکت‌کنندگان بر حوزه‌های ذیل، تمرکز داشت:

جدول ۳: راهکارهای پیشنهادی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت

حوزه زمانی	کدهای استخراج شده از بیانات مشارکت‌کنندگان
	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش منطقی تعداد پذیرش دانشجویان با توجه به ظرفیت و بسترهای موجود دانشگاه - لزوم تدریس شیوه‌های اندیشیدن به دانشجویان و اساتید - لزوم ارتقای مهارت‌های زندگی به اساتید و دانشجویان و کارشناسان دانشگاهی - تدوین و ترویج سبک زندگی حرفه‌ای اسلامی - ایرانی برای اساتید، دانشجویان و کارشناسان دانشگاهی - افزایش بودجه و امکانات و فراهم نمودن زیر ساخت‌های لازم - تدوین مرام نامه اخلاقی دانشگاهیان کشور باهدف تعامل مثبت و توأم با احترام متقابل استاد، دانشجو و کارکنان دانشگاه - ارتقاء فضای تعامل سازنده بین اساتید در قالب طرح‌هایی نظیر صله همکاران (رفت و آمد)، تشریک مساعی و سرکشی‌های مرتب(نه نظارتی، تنبیهی یا صوری بلکه احوالپرسی) - تسلط به زبان بین‌المللی به عنوان یکی از شروط مهم پذیرش‌ها به ویژه در مقطع ارشد و دکترا - برگزاری دوره‌های آموزشی اساتید - حمایت و ترویج به استفاده از فرصت‌های مطالعاتی در مراکز و دانشگاه‌های علمی به عنوان یک الزام حرفه‌ای نه انتخاب فردی؛ - لزوم دورانی بودن جایگاه اساتید در هر ترم تحصیلی در قالب دو شیوه آموزشی یا پژوهشی به منظور کمک به تولید علم و کیفی نمودن محتوا و فضای فرایند یاددهی یادگیری - استفاده از فضای فیزیکی و مجازی دانشکده و دانشگاه در ترویج و معرفی سبک زندگی علمی اساتید، دانشجویان، کارکنان دانشگاهی - برگزاری المپیاد روش‌شناسی علمی در سه سطح دانشجویی، استادی و مختلط، در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه علوم انسانی به طور سالیانه و لحاظ جوایز و مزایای ارزنده برای منتخبین هر دوره - تدوین نظام‌نامه تشویقی از اساتید و دانشجویان برتر یا بالقوه برتر - تدوین نظام دقیق و شایسته محور شناسایی، معرفی و حمایت از اساتید برتر و روش‌های تدریس با کیفیت - برگزاری سمینار تجارب موفق و ناموفق در دانشگاه - زمینه‌سازی برای شکل‌گیری فضایی بالنده در ارائه آزادانه نظرات، اندیشه‌ها و رویکردها بدون هرگونه پیگردی یا احساس وجود پیگرد - نظرسنجی و نیازسنجی‌های منظم دانشجویی و ایجاد سازوکار بکارگیری و اطلاع‌رسانی از ثمربخشی ایده‌ها و نظرات - حمایت مالی از پژوهش‌های مسئله‌محور و ایده‌های جدید دانشجویی - لزوم تدوین و صورت‌بندی فهرست تکالیف اصیل دانشجویی به تفکیک رشته‌ها و دوره‌ها و ترویج آن در میان اساتید - تدوین و استقرار نظام سنجش مستمر کیفیت تکالیف ارائه شده توسط اساتید در دانشگاه‌ها و تشویق تکالیف خلاق و معرفی آن در دانشگاه - تدوین و استقرار نظام سنجش مستمر کیفیت شیوه‌ها و رویه‌های ارزیابی اساتید در دانشگاه‌ها و تشویق رویه‌های خلاقانه ارزیابی و معرفی آن در دانشگاه - تدوین و استقرار نظام سنجش مستمر کیفیت موضوعات پایان‌نامه‌های تحت راهنمایی، نظارت و مشاورت اساتید و تشویق پایان‌نامه و موضوعات ارزشمند و اصیل و معرفی آن در دانشگاه - تدوین و استقرار نظام فرارزشیابی پایان‌نامه‌های دانشجویی و تشویق پایان‌نامه و موضوعات ارزشمند و اصیل و معرفی آن در دانشگاه - لزوم تاکید بر هدف‌نویسی آموزشی مبتنی بر حیطه‌های عاطفی و ضرورت فاصله گرفتن از تمرکز بیش از اندازه بر حیطه‌های شناختی - تنوع در منابع و محتوای درسی و پرهیز از تمرکز صرف بر کتاب - اجرای برنامه‌های فرهنگی - هنری و تفریحی در کنار فعالیت‌های علمی - ارتقاء مهارت ارتباط بین فردی دانشجویان
کوتاه مدت	

<ul style="list-style-type: none"> - تدوین سند و نقشه راه نشاط و پویایی علمی در دانشگاه‌های کشور - شناسایی ملاک‌ها و نشانگرهای تقویت فرهنگ پیشرفت - محور در دانشگاه‌های کشور - تدوین چارچوبی برای شناسایی موانع و تقویت فرهنگ مطالبه‌گری پیشرفت در دانشگاه - تدوین چارچوبی برای شناسایی مصادیق پیشرفت اسلامی ایرانی به تفکیک دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارشناسان - تدوین چارچوبی برای شناسایی ملاک‌ها و نشانگرهای دانشگاه پیشرفت - محور اسلامی ایرانی - تدوین دستورالعمل مشوق‌های حرکت شتابنده و هوشمندانه پیشرفت اسلامی - ایرانی برای ارکان اجرایی و علمی - دعوت به همکاری از اساتید مجرب و با اطلاعات بروز علمی - حمایت مالی از پژوهش‌ها و ایده‌های جدید دانشجویی - ارتقاء مهارت‌های ارتباطی و بین فردی دانشجویان 	<p>میان مدت</p>
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد سیستم کارآمد گزینش استاد و دانشجو - مقابله با مدرک گرایی و مبارزه با عوامل تقویت کننده آن - الگوشناسی و معرفی الگوهای برتر دانشجوی نمونه، استاد نمونه و کارمند نمونه براساس ملاکها، معیارها و نشانگرهای شفاف و واقع بینانه و تشویق مستمر و در خور موارد شناسایی شده - توجه به اقتصاد و سیاست به عنوان حوزه‌های اثرگذار در امر آموزش - ایجاد سیستم بازخورد دهی شفاف(امتیاز ویژه قائل شدن برای نوآوری‌های روش تدریس، ره آورد علمی را تنها در مقالات دیده نشود) - تأسیس واحدهای تخصصی نیاز سنجی پژوهشی و برقراری ارتباط بین دانشگاه‌ها و سایر مراکز تولید علم با کانون مشکلات و مسائل اجتماعی - ایجاد پیوند دانشگاه با صنعت و تجارت با هدف اشتغال دانش آموختگان - ایجاد سیستم نظارتی توانمند با ضمانت اجرایی دولتی جهت نظارت برحسن تعامل بخش‌های صنعتی و تجاری با مراکز علمی و دانشگاهی - اجرای پروژه‌های مشترک بین المللی با دانشجویان کشورهای دیگر - راه اندازی رشته‌های بین رشته‌ای - لزوم تأسیس و راه‌اندازی انجمن‌های علمی در هر گروه آموزشی و در کنار آن نضج گرفتن چندین مجله علمی 	<p>بلند مدت</p>

در مجموع و مبتنی بر ادراکات، تجارب زیسته و پیشنهادهای مشارکت‌کنندگان، موارد ذیل به عنوان "اولویت‌های اصلی در مسیر اصلاح و بهبود" ارائه شد:

جدول ۴: اولویت‌های اصلی در مسیر اصلاح و بهبود

نگاه برون سازمانی	نگاه درون سازمانی
<ul style="list-style-type: none"> - تأمین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای طرح‌های پژوهشی از طریق حمایت مالی (اسپانسرینگ) - مؤسسات و نهادهای ذی نفع در نتایج طرح‌ها. - تأیید ثبت فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیئت علمی و یا دانشجویان تحصیلات تکمیلی فقط و فقط در 	<ul style="list-style-type: none"> - سرعت و دقت و اطمینان از همه جوانب دخیل در امر آموزش - اعم از تجهیزات و امکانات و پذیرش‌ها و اساتید - بازنگری سمت‌های مدیریتی و اطمینان از تناسب مسئولیت محوله با تخصص و تعهد افراد - فضاسازی‌های جدید و جذاب در اتاق اساتید، راهروها، خوابگاه‌ها، کلاس‌های درسی و سایر مکان‌های آموزشی - نظرسنجی و نیازسنجی دانشجویی - برگزاری دوره‌های مهارت‌های ارتباطی برای دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاه - اختصاص بخشی از واحدهای هر درس به پژوهش علمی، آزمایشگاه و نظایر آن

<p>صورت اجرایی کردن نتایج حاصل از طرح پژوهشی و سهمیم کردن دانشجو و استاد در عواید مالی احتمالی حاصل از آن.</p> <p>- پیوند دانشگاه و صنعت و کاربردی کردن پژوهش‌ها</p>	<ul style="list-style-type: none"> - استقبال از ایده‌های نو و بدیع دانشجویی - شایسته‌گزینی و توجه به ابعاد اعتقادی، علمی و اخلاقی در گزینش اساتید - استقرار نظامی برای بهره‌گیری اساتید جوان از تجارب ارزنده اساتید پیشکسوت - جوان‌سازی هیئت علمی توأم با حفظ حرمت پیشکسوتان و ادامه‌همکاری آنها با دانشگاه در ساعات محدود تری در قالب دفتر اساتید پیشکسوت - توجه به ضابطه بجای رابطه در گزینش و انتصاب‌ها - توجه به کیفیت و عملکرد بجای نمره و معدل در انتخاب و گزینش نخبگان دانشگاهی - ترویج فرهنگ شفافیت (شفافیت ملاک‌ها، نشانگرها، روش‌ها، برخوردها و دوری از چندگانگی در امور) - استقرار نظام تشویق و تنبیه شفاف، عادلانه با ضمانت اجرایی کامل - تأمین نیازهای اولیه دانشجویان و اساتید (خوابگاه و غیره) - ایجاد جوی دوستانه که در آن رشد هر فرد در تقابل با فرد دیگر نباشد - آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تبدیل به ارزش شدن کارآفرینی در دانشگاه - تقویت روحیه پژوهشگری و انگیزه‌ی طلب علم در آموزش و پرورش - تقویت رویکرد یادگیرنده محوری در مدارس و دانشگاه‌های کشور - اولویت دادن به تعامل فکری فرهیختگان و تقویت "ضیافت اندیشه‌ها" هم‌اندیشی، اتاق فکر، کرسی‌های آزاد اندیشی. - آسیب‌شناسی عوامل اجتماعی (انتخاب رشته صحیح و علاقه‌مندی به رشته، آینده شغلی پس از فارغ التحصیلی)؛ عوامل دانشگاهی (آزمایشگاه، زمین ورزش، خوابگاه، بودجه کافی، روش تدریس اساتید که معلم محور است، غذاهای سلف، کتابخانه‌های تجهیز نشده) و عوامل فردی و خانوادگی (هوش و استعداد، رغبت و انگیزش و تعهد به رشته، هویت ملی و فردی) در دخیل در نشاط و پویایی علمی - بازنگری ملاک‌ها و استانداردها (اخلاق حرفه‌ای، تولید علم و غیره). - آسیب‌شناسی مستمر مشکلات بروکراسی اداری و تدوین نظام تشویق ایده‌های کاربردی در این حوزه - ایجاد سیستم ارتقاء دانشجو و استاد (با شیوه‌ای صحیح و از بین‌بردن مافیاهای موجود و باندبازی‌های فعلی) - ظرفیت‌یابی و استعدادیابی؛ شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی - ایجاد فرصت تأمل برای مدیران آموزشی (کاستن از بازرسیهایی بی‌مورد و حضور در جلسات کم‌فایده و تکراری که باعث ایجاد خودکفایی و احساس مفید بودن در آنها می‌شود)
--	---

جزئیات متناظر با یافته‌های مرتبط با هریک از سئوالات پژوهش، در قالب جدول شماره (۵) و در پیوست مقاله، به تفصیل بیان شده است.

۴. بحث و نتیجه گیری

همان‌طور که در پیشینه نظری اشاره شد، تعاریف ارائه شده از نشاط و پویایی متنوع، متعدد و بسته به دیدگاه افراد متفاوت است. جالب آنکه اکثر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش نیز به دلیل فقدان تعریفی واحد از پدیده "نشاط و پویایی علمی" از منظر خود به توصیف آن پرداختند و اگرچه در نگاه کلی به تعاریف، صفات و ویژگی‌های مشترکی دست یافتیم اما فقدان وجود تعریفی مشخص و کمال مطلوبی از این پدیده خود می‌تواند عامل مهم و اثرگذاری بر بلاتکلیفی و سرگردانی نظام آموزش عالی کشور در این حوزه باشد. لذا نمی‌توان از سیستم و عناصر سیستمی نظام آموزش عالی کشور که هنوز تعریف و تصویر روشنی از افق و چشم‌انداز مد نظرشان ندارند و بر مبنای آن پیشرفت یا پس رفت خود و سیستم را ارزیابی نموده برای بهبود و اصلاح تلاش نمایند، انتظار داشت که بدون قطب نما مسیر تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم را بدون هیچ مخاطره‌ای و با سرعتی جهشی بپیمایند.

اگر چه تاکنون با توجه به تلاش‌های برخی اساتید متعهد، دانشجویان کوشا و دغدغه‌مندان نظام آموزش عالی کشور، شاهد رشد فزاینده تولید علم و مقالات علمی مطرح در سطح جهانی و بهبود وضعیت کشور در رقابت با سایر کشورهای منطقه و جهان اسلام هستیم، اما آنچه اکثریت قریب به اتفاق نخبگان، آگاهان و دغدغه‌مندان این حوزه بدان اذعان دارند و یافته‌های این پژوهش از جمله مشارکت ناچیز دانشجویان و اساتید در این مطالعه (مشارکت یک سوم دعوت شدگان به مشارکت) نیز آن را تأیید کرد، این مطلب است که به نظر می‌رسد در حال حاضر نشاط و پویایی علمی مطلوب در مراکز علمی و دانشگاهی کشور وجود ندارد و مطالعات عمیقی نیز برای شناسایی علل افت نشاط و پویایی علمی در این مراکز و بهبود آن صورت نپذیرفته است. این روند با رشد پدیده مدرک‌گرایی، بی‌اعتبار شدن جایگاه علم و عالم در جامعه، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، تبدیل شدن دانشگاه‌ها و مراکز علمی به بنگاه‌های کسب درآمد و بسیاری معضلات و آسیب‌هایی که به تدریج گریبان آموزش عالی کشور را گرفته، هر لحظه راه تنفس این نظام زنده و پویا را تنگ و تنگ‌تر می‌کند زنگ خطر و هشدار جدی برای آینده علمی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور محسوب می‌شود. تصمیم به راه‌اندازی و حمایت از "کرسی‌های آزاد اندیشی" به عنوان پادزهری که از بیرون از دانشگاه، به درستی تجویز شده است نشانه‌ای واضح از تشخیص این سم مهلک یعنی همان "افت نشاط و بالندگی" است. اما به رغم اینکه راه‌اندازی این کرسی‌ها از دیدگاه‌های ارزشمند به شمار می‌رود اما به دلیل اینکه پیشنهاد برپایی این کرسی‌ها از بیرون به دانشگاه آمده است و از درون افراد دانشگاهی به این احساس نیاز نرسیده‌اند، در عمل با توفیق چندانی مواجه نشده‌است. لذا به نظر می‌رسد لازم است ضمن بررسی عمیق و دقیق این معضل که آفتی جدی در تعالی و بالندگی کشور است، زمینه‌های لازم برای بروز آگاهی در اعضای هیئت علمی و دانشجویان با استفاده از رویکردهای مشارکتی مثل "اقدام پژوهی" فراهم آید تا با توانمند شدن دانشجویان و اساتید، آنها از درون برای تعالی و نشاط و پویایی گام‌های موثری بردارند.

به نظر می‌رسد از مهم‌ترین دلایل افت نشاط و بالندگی علمی به ویژه در حوزه‌های علوم انسانی، غلبه و استیلا پارادایم اثبات‌گرایی در تدریس و هدایت پژوهش‌های دانشگاهی و داوری مقاله‌ها و طرح‌های

پژوهشی در کشور است. نگارندگان بر این باورند که منشاء بخش قابل توجهی از علل دور شدن مراکز علمی و دانشگاهی کشور به ویژه در حوزه علوم انسانی و رفتاری از خلق نظریه‌ها و دانش بومی و رونق یافتن نظریه‌های سایر جوامع در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور، استیلای رویکرد پوزیتویسم در نظام آموزشی به ویژه در محتوا، موضوع و روش تدریس پژوهش، تعیین و بکارگیری ملاک‌ها، معیارها و شاخص‌های ارزیابی عملکرد افراد و ارزیابی آثار علمی (مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها) است. از آنجا که روش‌های پژوهش مبتنی بر رویکرد اثبات‌گرایی، ماهیتاً تأییدگرا هستند و نظریه‌ها و یافته‌های موجود را همچون اصل و اساس در نظر گرفته و در صدد بررسی تأیید یا رد آن در جوامع یا محیط‌های دیگر است و به نظر می‌رسد، این رویه وقتی، **رویه غالب** در رشته‌های علوم انسانی و رفتاری گردد، نه تنها با تلاش برای ارتقای نشاط و پویایی علمی، خلق دانش و شکل‌گیری نظریه‌های بومی و حرکت در راستای تحقق آرمان مرجعیت علمی، تناسب ندارد بلکه شاید بتوان آن را نقطه مقابل خلق نظریه‌های بومی و پویایی علمی دانست. نتیجه بررسی‌های لطف‌آبادی، نوروزی و حسینی (۱۳۸۶)، نشان داد که حدود ۹۶ درصد از مقالات حوزه روانشناسی در ایران، از نوع کمی‌گرایانه است (به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲). بنابراین محتمل است، بخش قابل توجهی از نبود زایش و بالندگی دانش و نظریه‌های بومی و ثروت‌آفرین در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، پرورش دانش‌آموختگان کارجو به جای کارآفرین، نبود فرهنگ نقدپذیری و آفرینندگی، ناشی از استیلای پارادایم اثبات‌گرایی در برنامه‌های درسی و آموزشی، محتوا و روند تدریس، روش‌های آموزش پژوهش، تعیین و تدوین ملاک‌ها، معیارها و شاخص‌های ارزیابی عملکرد افراد و همچنین ارزیابی آثار علمی (مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها) باشد.

یافته‌های این پژوهش و تأکید دانشجویان و اساتید بر مواردی نظیر «فقدان فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی کافی، نبود برنامه‌های تفریحی و اردو، بی توجهی به فضاسازی‌های جذاب و شاد نظیر کلاس‌ها، اتاق اساتید و سایر اماکن عمومی دانشگاهی و ...» نشان داد که بخشی از فقدان نشاط و پویایی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور به فقدان نشاط و پویایی عمومی در جامعه باز می‌گردد. آمار تلخ و رو به رشد خودکشی دانشجویان مراکز آموزش عالی و دانشگاهی کشور در چند سال اخیر نیز که اکثراً بر اثر افسردگی، مشکلات خانوادگی، تحصیلی، بیکاری و غیره گزارش می‌شوند دلیلی دیگر بر صدق این مدعاست. همان‌طور که می‌دانیم افسردگی یکی از اختلالات شایع جوامع انسانی است که آسیب‌های مختلف فردی و اجتماعی را به دنبال دارد. نتایج پژوهش‌های متعددی بیانگر اثرات مثبت شادی بر کاهش علایم افسردگی و افزایش کیفیت زندگی در ابعاد مختلف است. به طور مثال سیوندی‌پور و عبداللهی (۱۳۹۱) در پژوهشی آزمایشی تحت‌عنوان "بررسی تأثیر رویارویی با شاخصه‌های علمی شادی بر کاهش علایم افسردگی"، اثربخشی رویارویی با شاخصه‌های علمی شادی (بخشش، قدردانی و اعمال مهربانانه غیرمشروط) را بر کاهش علایم افسردگی اساسی از جمله احساس غم، احساس بی‌لذتی، احساس بی‌ارزشی و احساس درماندگی در نمونه‌ای از دانشجویان کشور بررسی کردند و نتایج این پژوهش تأیید کرد که ارائه آموزش‌های مرتبط با شاخصه‌های علمی شادی، تأثیر معنی‌داری بر کاهش افسردگی داشته است و نمره‌های آزمودنی‌ها در هر سه شاخصه افزایش نشان داده است. اما ارائه محرک‌های دیداری و

شنیداری به صورت ناخودآگاه به آزمودنی‌ها در کوتاه‌مدت، تأثیر معناداری بر کاهش افسردگی نداشته است. از آنجا که تغییرات ایجاد شده در افسردگی دانشجویان، در اثر رویارویی با شاخصه‌های علمی شادی بوده است و نه محرک‌های دیداری و شنیداری ناخودآگاه، می‌توان نتیجه گرفت "رویارویی آگاهانه با شاخصه‌های علمی شادی" نقش قابل توجهی در کاهش افسردگی دارد. لذا به نظر می‌رسد با برگزاری "دوره‌های آموزشی مرتبط با شاخصه‌های علمی شادی" در مراکز علمی و دانشگاهی می‌توان تا حدود بسیار زیادی در برابر این آسیب که از بیرون نظام آموزش عالی بدان تزریق می‌شود واکسینه شد. در صورت موفق عمل کردن خانواده دانشگاهی کشور اعم از دانشجویان و اساتید و کارکنان در این حرکت جهادی "نشاط آفرینی و نشاط افزایی"، حضور موثر آنها در خانواده و اجتماع باعث شود که نشاط و پویایی در جریانی معکوس از نظام آموزش عالی کشور به جامعه تزریق شود و مصداق عملی این بیان امام راحل‌ره. که دانشگاه مرکز سعادت یک ملت است (صحیفه امام، ۱۳۵۸) تحقق یابد.

یافته‌های پژوهش آزمایشی دیگری نیز موید این مطلب است که آموزش برنامه شادی، بر کاهش نشانه‌های افسردگی کل و ابعاد خلق منفی، مشکلات بین‌فردی، فقدان لذت و عزت نفس منفی و نیز بر عزت نفس اعضای نمونه اثرات معنی‌داری داشته است (شاکه نیا و همکاران، ۱۳۹۲). اگرچه پژوهش دوم در سطح کودکان دبستانی ۱۰ تا ۱۱ ساله انجام شده است اما از آنجا که شادی و نشاط و سرزندگی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشر در تمام سنین است و اثرات مخرب فردی و اجتماعی آن در تمام لایه‌های سرمایه‌های انسانی جامعه نمود پیدا می‌کند، لذا می‌توان نتایج آن را مورد توجه قرار داد. و بر لزوم برنامه‌ریزی‌های هماهنگ فرهنگی و ارتقاء نشاط و پویایی عمومی جامعه به عنوان یکی از پیش‌نیازهای تحقق نشاط و پویایی علمی در کشور تأکید کرد. چرا که قطعاً نمی‌توان از جامعه‌ای افسرده و خموده انتظار داشت که مراکز علمی و دانشگاهی اش انعکاس دهنده نشاط و پویایی علمی به جامعه و تحقق بخش چشم انداز علمی‌ای روشن در منطقه و جهان باشد.

یافته‌های مطالعه حاضر اگرچه در مجموع، کم رنگ بودن نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور را نشان می‌دهد اما دانشجویان دانشگاه تهران نسبت به اساتید نشاط و پویایی علمی بیشتری را در این دانشگاه تجربه کرده‌اند و ۴۱/۷ درصد دانشجویان مشارکت کننده نشاط و پویایی علمی موجود در دانشگاه تهران را نسبت به سایر مراکز دانشگاهی در وضعیت مطلوب‌تر و در حد متوسط رو به بالا توصیف کردند. اطلاعات زمینه‌ای ثبت شده از این مشارکت کنندگان شامل «رشته تحصیلی، معدل کل و دانشکده» و مقایسه آن با اطلاعات زمینه‌ای متناظر با سایر دانشجویان مشارکت کننده، حاکی از این مطلب است که دانشجویان برجسته‌ترین رشته‌های دانشکده‌های دانشگاه تهران نسبت به سایرین با مفهوم نشاط و پویایی علمی آشنا تر هستند، تعریف دقیق تری ارائه کرده و به مصادیق مرتبط‌تری اشاره کرده‌اند. و به دلیل اینکه این افراد را زنان تشکیل می‌دهند این فرضیه قوت می‌گیرد که متغیرهایی مثل "هوش" و "جنسیت" در مرتبه اول و در مراتب بعد به ترتیب "ابعاد روحی و شخصیتی دانشجو"، "علاقه دانشجو به رشته تحصیلی اش"، "تعداد دانشجویان هر کلاس" و در نهایت "تعامل استاد و شاگردی" بر

وجود، فقدان و یا نوسانات نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور به ویژه دانشگاه تهران، اثر مستقیمی دارند.

۴. راهبردها و پیشنهادهای عملیاتی

پژوهش حاضر به عنوان اولین گام در آسیب شناسی پدیده "نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور" و با بهره‌مندی از نظرات گروهی از دانشجویان و اساتید که تجربه تحصیل یا تدریس در مراکز آموزش عالی و دانشگاهی در کشور، و نیز تجربه حضور در دانشگاه تهران به عنوان دانشگاه مادر کشور را دارند، موارد ذیل را به عنوان پیشنهادهای راهبردی در مسیر "ارتقاء نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور" پیشنهاد می‌کند:

- توانمندسازی همه جانبه سرمایه‌های انسانی در نظام آموزش عالی کشور نظیر دانشجویان، اساتاد، کارکنان دانشگاه، معاونین و مدیران بالادستی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛
- تدوین و تبیین الگوی نظام آموزش عالی و دانشگاه اسلامی - ایرانی و ارائه تصویری روشن و واقع‌گرایانه از کمال مطلوب در حوزه نظر و عمل: در سایه سار الگوی تبیین‌شده علم نافع از غیرنافع، دانشجویان و اساتاد حقیقی از دانشجویان و اساتاد غیر حقیقی و تدریس و یادگیری مطلوب از غیر آن به روشنی متمایز می‌شود و حرکت رو به رشد نظام آموزش عالی با کندی و چالش مواجه نمی‌گردد.
- تبیین، تشویق و حمایت از سبک زندگی علمی یک دانشجویان و اساتاد موفق در کلیه سطوح (مربی، استادیار، دانشیار، اساتاد تمام و...)
- ضرورت تمهید سازوکارهای مناسب و فوری برای خروج از استیلای ۹۶ درصدی پارادایم اثبات‌گرایی بر علوم انسانی و به ویژه علوم رفتاری و تبعات مخرب آن بر زایش، نشاط و پویایی علمی از طریق سازوکارهایی نظیر برگزاری مستمر کارگاه‌های روش پژوهش کیفی و ترکیبی و ضرورت یافتن آموزش روش پژوهش کیفی و ترکیبی در تمامی رشته‌های علوم انسانی، ایجاد زمینه مناسب برای تحول پارادایمی در تدریس روش تحقیق در حوزه‌های علوم و به ویژه علوم انسانی؛ ضرورت راه‌اندازی مجله‌های تخصصی کیفی و ایجاد تناسب بین تعداد مقاله‌های کمی و کیفی منتشر شده در مجله‌ها، ضرورت تغییر در ملاک‌ها، نشانگرها و معیارهای داوری مقاله‌ها و آثار علمی در مراکز علمی و مجله‌های علمی کشور؛
- شناسایی و حمایت از فرهیختگان در مراکز علمی و دانشگاهی به تناسب کیفیت عملکرد و دستاوردهای فردی، تیمی، سازمانی و اجتماعی: به نظر می‌رسد در حال حاضر در محیط‌های علمی، ملاک‌ها، معیارها، شاخص‌های دقیق و سازوکارها به‌روز و با ضمانت اجرایی بالا به‌منظور شناسایی و حمایت از فرهیختگان به تناسب کیفیت عملکرد و دستاوردهای فردی، تیمی، سازمانی و اجتماعی وجود نداشته یا مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. وجود نگاه یکسان به افراد با سطوح

- و کیفیت عملکردهای متفاوت، نبود یا عدم اجرای رویه شناسایی و تمیز بین فرهیختگان موثر و مولد دانشگاهی، از علل اصلی افت نشاط و پویایی در فضاها علمی و دانشگاهی است؛
- **تجدید نظر در نحوه تسهیلات و مزایای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و به ویژه اساتید:** در کشورهای دیگر دکتری و پست دکتری یک گزینه شغلی است و افراد به ازای تحصیل و انجام پروژه، درآمد کسب می‌کنند. در حالیکه در حال حاضر اغلب دانشجویان تحصیلات تکمیلی و به ویژه دکتری رها می‌شوند و دانشجو فقط به دنبال گذر از شرایط تحصیلی است و کمتر فرصت به کیفیت می‌رسد و نشاط و بالندگی طبیعتاً کاهش می‌یابد؛
 - **ارتقاء جایگاه علم و عالم در جامعه از طریق فرهنگ سازی و توجه به کیفیت بجای کمیت در هدف‌گذاری‌های نظام آموزش عالی کشور:** اگر شخصیت فرد یا نهادی، گرفته شود یا به چالش کشیده شود از او تنها کالبدش می‌ماند، به نظر می‌رسد جایگاه علم و عالم در جامعه روز به روز افول می‌کند و در افت نشاط و پویایی علمی به عنوان پیامدهای طبیعی اما منفی چنین شرایطی در مراکز علمی و دانشگاهی تقویت می‌شود؛
 - **توقف روند رو به رشد پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های کشور به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی:** پذیرش دانشجو فارغ از بحث درآمدزایی و با هدف ارتقاء کیفیت مراکز آموزش عالی و دانشگاهی و در بستری منطقی، تخصصی و مطلوب انجام پذیرد؛
 - **تمرکز بر متغیرهای هوش، توانمندی و علاقه دانشجویان در پذیرش دانشجو و پرهیز از افزایش سهمیه پذیرش دانشجو به ویژه در دانشگاه‌های مطرح کشور؛**
 - **اجرای ارزیابی عملکرد سالم در نظام آموزش عالی:** ارزیابی‌های موجود در نظام آموزش عالی کشور بیشتر از مصادیق ارزیابی کاذب است. به‌طور مثال از بهترین و موفق‌ترین اساتید حمایت و تقدیر نمی‌شود و به کم‌کارها اخطار داده نمی‌شود و یا برایشان دوره آموزشی ضمن خدمت برگزار نمی‌شود. به عبارت دیگر ارزیابی به بهبود و تقدیر منتهی نمی‌شود و نشاط و پویایی از سیستم رخت بر می‌بندد؛
 - **تعریف سازوکار تشویقی نظام‌مند پرداختی‌ها:** دریافتی‌های اساتید متناسب و مبتنی بر تلاش و تولید علمی نیست و دریافت‌ها ثابت و اغلب رسته-محور است. از طرف دیگر چون برای حداکثر و بالاتر از آن شرایط، سازوکار تشویقی و شناخته شده‌ای پیش‌بینی نشده است، یا اگر هست سازوکارش شفاف نیست و... تلاش‌ها در سطح حداقل و موظف، متوقف می‌شود. افت نشاط در این شرایط، طبیعی به نظر می‌رسد. لذا پیشنهاد می‌شود دستورالعمل پرداخت حقوق و مزایا در دانشگاه‌ها با فاصله‌گرفتن از رویکرد پوزیتویستی و کمی فعلی، مبتنی بر شایستگی‌ها و ارزش‌افزوده و به تفکیک دستاوردهای فردی، تیمی، سازمانی و اجتماعی اساتید، تدوین و اجرا گردد تا چشم‌اندازهای موجود در اسناد بالادستی با ماهیت مراکز علمی و دانشگاهی و رسالت‌های آنها سازگاری بیشتری یابد و تضاد بارز فعلی برطرف گردد؛

- فراهم ساختن بسترهای سخت افزاری و نرم افزاری تولید علم: امکانات موجود برای تولید علم در دانشگاه‌ها ناچیز است و به لحاظ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری وضعیت نامناسب است؛
- فضاسازی‌های جذاب و بانشاط در محیط مراکز علمی و دانشگاهی: اکثر ساختمان‌های دانشگاهی قدیمی و کلاس‌ها، اتاق اساتید، کتابخانه، راهروها، سلف و سایر فضاها از لحاظ بصری فاقد جذابیت و فضاسازی‌های بانشاط هستند.
- شناسایی ملاک‌ها و نشانگرهای تقویت فرهنگ پیشرفت - محور در دانشگاه‌های کشور و استقرار نظام مبتنی بر آن در دانشگاه‌ها و مراکز علمی؛
- تدوین چارچوبی برای شناسایی موانع و تقویت فرهنگ مطالبه‌گری پیشرفت در دانشگاه و استقرار نظام مبتنی بر آن در دانشگاه‌ها و مراکز علمی؛
- تدوین چارچوبی برای شناسایی مصادیق پیشرفت اسلامی ایرانی به تفکیک دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارشناسان و استقرار نظام مبتنی بر آن در دانشگاه‌ها و مراکز علمی؛
- تدوین چارچوبی برای شناسایی ملاک‌ها و نشانگرهای دانشگاه پیشرفت - محور اسلامی ایرانی و استقرار نظام مبتنی بر آن در دانشگاه‌ها و مراکز علمی؛
- تدوین دستورالعمل مشوق‌های حرکت شتابنده و هوشمندانه پیشرفت اسلامی - ایرانی برای ارکان اجرایی و علمی و استقرار نظام مبتنی بر آن در دانشگاه‌ها و مراکز علمی؛

برای پیشنهاد‌های مطالعاتی نیز موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- پیشنهاد می‌شود در مطالعه‌های دیگری:
 - میزان تأثیر متغیرهای موثر بر نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی نظیر متغیرهای برآمده از پژوهش حاضر (هوش، جنسیت، ابعاد روحی و شخصیتی دانشجو، علاقه دانشجو به رشته تحصیلی‌اش، تعداد دانشجویان هر کلاس و تعامل استاد و شاگردی) بررسی شود تا به پستوانه چنین پژوهش کمی‌ای راهکارهای پیشنهادی ذکر شده در بخش قبلی با قوت بیشتری مورد مطالبه مجامع دانشگاهی کشور قرار گیرد؛
 - بایدها و نبایدهای توانمندسازی سرمایه‌های انسانی در نظام آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی کشور در راستای ارائه طرحی عملیاتی شناسایی و تبیین شود؛
 - مشکلات احساس شده در بافت بومی مراکز آموزش عالی کشور به روش "اقدام پژوهی" به مسئله تبدیل شوند تا ره‌آورد این مطالعات به بهبود موضعی و نهایی زخم‌های موجود بر پیکره نظام آموزش عالی کشور بینجامد؛
 - با نگاه آسیب‌شناسانه، علل و چگونگی افت جایگاه علم، عالم و معلوم در جامعه، مورد کنکاش قرار گیرد؛

- با نگاه آسیب‌شناسانه، میزان غلبه رویه‌ها، ابزارها و راهبردهای سنجش سنتی در ارزشیابی فراگیران در نظام آموزشی کشور، آزمون‌های استخدامی و کنکورهای انتخابی بررسی گردد.

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل. (چاپ اول). تهران: نشر علم.
- ابونوری، اسمعیل و عیسی نیازی. (۱۳۹۱). ارزیابی شاخص‌های مقیاس وبومتریک در دانشگاه‌های منتخب (با تأکید بر جنبش نرم افزاری). مدیریت در دانشگاه اسلامی ۱. (۱۱)، صص ۳-۳۴.
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. (چاپ سوم). تهران: دیدار.
- بهراری فرد، علی و حسن دانایی فرد. (۱۳۸۵). توسعه نظریه‌ها در علم الاجتماع: ضرورت معیارهای ارزیابی تولید علم نظری. ویژه نامه مدیریت: فصلنامه مدرس علوم انسانی. صص ۱۰۲-۸۳.
- پورسردار، فیض الله؛ علی اکبر سنگری؛ ذبیح الله عباسپور و سجاد آلبو کردی. (۱۳۹۰). تأثیر شادی بر سلامت روانی و رضایت از زندگی؛ یک مدل روان شناختی از بهزیستی. مجله علوم پزشکی دانشگاه کرمان. ۱۶(۲).
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۵). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری به آدرس www.ledear.ir.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید، محققان و پژوهشگران دانشگاه‌ها. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری به آدرس www.ledear.ir.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با وزیر علوم و روسای دانشگاه‌ها. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری به آدرس www.ledear.ir.
- خمینی، روح الله. (۱۳۵۸). صحیفه امام خمینی (س). ج ۸: لزوم اسلامی شدن دانشگاه‌ها. قم: پایگاه اطلاع رسانی آنلاین جماران.
- دلاور، علی. (۱۳۹۲). روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی. (چاپ سی و نهم). تهران: ویرایش.
- رئیزی، مرضیه؛ هدی احمری طهران؛ سعیده حیدری، عصمت جعفریگلو، زهرا عابدینی و سید احمد بطحایی. (۱۳۹۲). ارتباط هوش معنوی با شادکامی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ۱۳ (۵): ۴۳۱-۴۴۰.
- سرمد، زهره؛ عباس بازرگان و الهه حجازی. (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. (چاپ بیست و چهارم). تهران: آگاه.

- سموعی، راحله؛ محسن مصلحی؛ محبوبه حیدری و، زهرا طغیانی. (۱۳۹۰). مدیریت شادی در دانشجویان خوابگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی اصفهان - ۱۳۸۸. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*. ۱۱ (۹)، ۱۰۵۷-۱۰۶۲.
- سیوندی‌پور، مریم و عبدالحسین عبداللہی. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر رویارویی با شاخصه‌های علمی شادی بر کاهش علایم افسردگی. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*. ۱۱ (۶)، صص ۵۱۳-۵۲۰.
- شاکه نیا، فرحناز؛ بهروز بهروز؛ مهران فرهادی؛ شعله امیری و بهزاد بهروز. (۱۳۹۲). اثربخشی برنامه آموزش شادی، بر عزت نفس و افسردگی کودکان دبستانی (۱۰-۱۱) ساله. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*. ۲۰ (۲): ۱۵۳-۱۶۴.
- شجاعی، فاطمه؛ ابوالحسن رفیعی؛ سید میثم ابراهیمی؛ ندا قدیمی و سیده رویا موسوی. (۱۳۹۰). وضعیت شادمانی دانشجویان پرستاری. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*. ۱۱ (۲): ۱۶۱-۱۶۲.
- شریف، بهرام و سید محمود شیگو منصف. (۱۳۹۰). مهندسی مجدد نگرش در نظام آموزش عالی. *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*. ۱ (۲)، صص ۲۸-۱.
- صفایی موحد، سعید و محمد عطاران. (۱۳۸۹). واکاوی هنجارهای موثر بر انتخاب استاد راهنما در حوزه‌های محض (علوم ریاضی) و میان رشته‌ای (علوم تربیتی): یک مطالعه پدیدارشناختی. *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*. ۲ (۴)، صص ۱۲۱-۹۵.
- عابدی، حیدرعلی. (۱۳۸۸). کاربرد روش تحقیق پدیده شناسی در علوم بالینی. *فصلنامه راهبرد*. ۱۹ (۵۴)، صص ۲۲۴-۲۰۷.
- عربی، حسین. (۱۳۹۴). سیاست‌های کلی نظام. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام*.
- قل، علیرضا؛ مجید رمضان و محمدرضا زاهدی. (۱۳۹۲). ارائه چهارچوب مفهومی برای اندازه‌گیری سرمایه ساختاری در دانشگاه. *رشد و فناوری: فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد*. ۱۰ (۳۷)، صص ۶۳-۵۳.
- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۸۲). سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. تهران: دفتر مقام معظم رهبری.
- نیازآذری، کیومرث. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر شادابی و نشاط در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان ساری. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی (دانشگاه مازندران)*. ۲ (۳)، صص ۳۵-۵۷.

<http://ut.ac.ir/fa/news/All/bodyView/591/0>
URAP.html/رتبه‌جدید.دانشگاه.تهران.در.نظام.رتبه.بندی.
<http://www.moin-publisher.com>
[نشاط/](http://www.jasjoo.com/books/wordbook/dekhoda/)
<http://www.vajehyab.com/?q=پویایی>

- Argyle, M. (2013). **The psychology of happiness**. *Routledge*
- Frey, B. S., & Stutzer, A. (2010). **Happiness and economics: How the economy and institutions affect human well-being**. *Princeton University Press*.
- Merleau-Ponty, M. (1996). **Phenomenology of perception**. *Motilal Banarsidass Publish*.
- Stern, D. N. (2010). **Forms of vitality: Exploring dynamic experience in psychology, the arts, psychotherapy, and development**. *Oxford University Press*.
- Frey, B. S., & Stutzer, A. (2002). **What can economists learn from happiness research?**. *Journal of Economic literature*, 402-435.
- Nili, M., Mousavi, S., & Rezazade, S. (2013). **Relationship between vitality of the role in the prevention of addiction in order to facilitate the social order and security in higher education**. *Word of science Journal: Engineers press*. 1(10), 62-70.
- Abelmann, N., Kim, H., & Park, S. J. (2005). **The uneven Buden of Vitality: College Rank, Neoldralism, and South korea's "New Generation"**. *Korean education.The Sigur Center Asia Papers*, 24, 33-58.
- Smith, M. K. (2005, 2013). **Happiness and education-theory, practice and possibility, the encyclopedia of informal education**. *Published in address: <http://infed.org>*.
- Lee, J. K. (2011). **Higher Education and Happiness in the Age of Information**. *Higher Education Review*, 43(3), 70-79.
- Lee, J. K. (2008). **Education and Happiness: Perspectives of the East and the West**. *Online Submission: Eric*.